

انجمن صلح، یا انجمن گاز؟

{* اگر چیزی بگنجد نمکش میزند وای بر آن روز که بگنجد نمک * از ضرب المثلها}

به لحاظ زمانی اگر اسمی برای این قرنی که در آن زندگی میکنیم، در نظر بگیریم، نام (قرن لحظه) مناسبترین نام میباشد، چون بر اثر پیشرفت دانش در هر لحظه تغییرات بزرگی در تکنیک پدید میآید، با پیشرفت تکنیک، میتوان کارهای روزمره از قبیل پختن غذا در آشپزخانه خانهات تا مسافرت به دورترین نقاط جهان را با انرژی کمتر و آسودتر انجام داد. سرعت عمل ارتباطات مخابراتی که ثمره پیشرفت دانش است و کار رادیوها را در بر گرفته، بر همگان عیان و احتیاجی به بیان نیست.

متأسفانه این پیشرفت تکنیک در جهت جنگ و خونریزی هم بکار گرفته میشود، بطوریکه در کوتاهترین مدت میتوان شهری را با ساکنین آن به نابودی کشاند. برای نمونه : بمباران شیمیای شهری بنام حلبجه در کردستان، توسط دولت عراق در سال 1988 که منجر به کشته شدن ساکنین آن و ویران شدن شهر گردید. سازمان ملل متحد یا درستتر بگویم سازمان دول متحد و سازمان حقوق بشر نظارهگر اوضاع میبودند و به‌س. و اما

انجمن صلح

در شهر استکهولم انجمنی بنام انجمن صلح وجود دارد، عدهای از اعضای آن در رادیوی به‌نام رادیو پیوند فعالیت مینمایند. در این رادیو هم مثل هر رادیو دیگر مصاحبه‌های با اشخاصی و یا گفت و شنوهای میان شنوندگان رادیو روی میدهد، این مصاحبه و گفت و شنوهای آموزنده میباشند. پیرامون مسئله ملی در ایران بحثهای در رادیوها صورت میگرفت و ما شنوندهگان هم در رابطه با آن اظهار نظر مینمودیم. به یکی از این اظهار نظرها در رادیو پیونده بنگریم:

رادیو پیوند: شنودی داریم، سلام بر شما!

شنونده: درود بر شما! آقای بهمن شما یک آذرآبادگان گذاشتی و رفتی قطع کردی. چرا؟

بهمن: میخواهی باز هم بشنوی؟

شنونده: بزارید، آخر گوش اینها خیلی سنگینه!

همکار رادیوی آقای بهمن : ها ها ها

شنونده: بلکه این بمبه را در بیارند از گوششان.

بهمن: نه بنید.

شنونده : نه، نه ندارد، آقای بهمن.

بهمن: همه ما باید نظر داشته باشیم، سخن بگویم، من خودم مخالفم.

شنونده: بین آقای بهمن، من تو دهن کسی میزنم که بخواد یک زره از خاک وطن من را جدا کند.

بهمن: خوب بنید، این یک مبارزه است که تمام ایرانیان میکنند و در تمام طول تاریخ اینرا نشان داده‌اند، فرق نمیکند، همین شنونده قبلی که صحبت کردند، گفتند: همه ما ایرانی هستیم، برای ایران تلاش مینمایم و برای ایران مبارزه کرده‌ایم. آقای بهمن ادامه میدهند و میگویند: بهر نوعی شده با جنگ و دندان در کنار یکدیگر ایستاده‌ایم و این ایران خود را نگه داریم و این کار را هم در آینده میکنیم، همیشه این کار را خواهیم کرد.

شنونده: دقیا" دقیا"!

بهمن : ولی خوب نظریاتی هست، بحثها و گفتگوهای هست، فکرهای هست، در بعضی از مسائل که صحبت میکنند، خوب، درست هم است و باید به این مسئله توجه کرد. اما در مورد جدا طلبی این خیلی طبیعی است، اینرا نه شما میزیری و نه من و نه هیچ ایرانی. پایان گفت و شنود.

آن شنونده رادیو، متاسفانه به آن درجه از آگاهی نرسیده‌اند، کسی که میخواهد در رادیوی پیرامون موضوعی اظهار نظر نمایند، باید خود را به مخاطبینش معرفی نماید. در نتیجه چگونه میشود از چنین کسی انتظار داشت که هم مادبانه صحبت نمایند و به شیوی سیاسی هم اظهار نظر کنند. **و اما آقای بهمن.** ایشان یکی از مجریان برنامه‌های رادیو پیوند و همکار انجمن صلح هستند. ایشان مدت زیادی است که در سوئد زندگی مینمایند. همه میدانیم که سوئد و نروژ هم سایه هستند. تا سال 1905 سوئد و نروژ یک کشور بود. نروژها تصمیم گرفتند، دولت مستقل نروژ را تشکیل دهند.

سوئدیه با دید متمدنانه و احترام به حقوق نروژیها و تصمیم آنها نگرستن. همه ما از مراسم برگزاری سالانه جایزه نوبل در سوئد اطلاع داریم. آلفرد نوبل دانشمندی سوئدی بودند. اما مراسم توضیح جایزه صلح نوبل در نروژ اجرا میگردد. انتقال این جایزه به نروژ از دید احترام مردم سوئد به حق تعیین سرنوشت ملتها در کل و ملت نروژ بطور اخص سرچشمه میگردد، که چند سال قبل در نروژ این جایزه را به خانم شیرین عبادی بخشیدن و خانم عبادی هم آقای خاتمی را شایسته گرفتن جایزه صلح نوبل میدانستند.

حال باید گفت اگر سوئدیهها هم بمانند آقای بهمن، همکار انجمن صلح فکر میکردند میبایستی نه آنکه به نروژیها توضیح چنین جایزه‌ای را روا میداشتند، بلکه پوست نروژیها را کنده و با چنگ دندان گوشت آنها از استخوان جدا نموده.

جهت اطلاع- در دو کیلو متری رادیو پیوند و انجمن صلح خیابانی به نام (نوریه‌گاتان) یعنی خیابان نروژ، وجود دارد. همه میدانیم چکوسلواکی سابق بدون ببار آوردن کوچکترین نگرانی و خونریزی به دو کشور جدا و مستقل تبدیل گشت، هر دو قسمت در جوار هم و در میان عشق و علاقه، در میان محبت و دوستی یار و غمخوار یکدیگر هستند. همچنین رهایی ملتهای از زیر سلطه شوروی سابق و تشکیل چند دولت مستقل ملی را مشاهده مینمایم. با وجود چنین رویدادهای جهانی متاسفانه ایشان چنین میاندیشند و همچنین مدعی هستند، بمانند گذشته از ایران دفاع مینمایند. کدام دفاع؟ قراردادهای چالدران و نخچوان و بخشیدن 17 شهر قفقاز و قسمت اعظم کردستان در زمان قاجاریه و صفویه، یا گشودن مرزهای شمال و جنوب برای نیروهای روس و ئینگلیس در زمان خدا بیامورز رضا شاه و بخشیدن جزیره طلای سیاه یعنی بحرین در دوران مرحوم شاهنشاه آریامهر پهلوی که ایشان هم همیشه میفرمودند: با چنگ و دندان از تمامیت ارضی ایران دفاع مینمایم.

از همه مهتر حمله اعراب به ایران در دوران ساسانیان، که پس از 1500 سال ایران هنوز در گرو اعراب میباشد. اینست دفاع؟ آقای بهمن مدعی هستند که ایرانیها جدای طلب نیستند و همه ایرانیان در کنار یکدیگر از ایران دفاع خواهند کرد، یعنی اگر روز ملتی مانند ملت بلوچ

خواستند برای خود دولتی تشکیل دهند، ایرانیها با چنگ و دندان زن و مرد، پیر و جوان و کودک بلوچ را تکه تکه نمایند. اینست سفارش یکی از همکاران انجمن صلح؟! اگر به معنی واقعی صلح و انجمن صلح آگاهی داشته باشیم، باید اجازه داد هر کس برای خود تعیین تکلیف نماید و برای خود تصمیم بگیرند و چنانچه کسی خواست مانع چنین ایده‌ای گردد و جنگ و آشوبی برپا نماید، انجمن صلح مداخله نموده و جلو جنگ را میگیرد. ولی زمانیکه همکار انجمن صلح چنین بیرحم و سنگدل باشند، باید گفت نمک به درجه گندگی رسیده است. خوشبختانه باین حالت هم انجمن صلح و مجریان رادیو پیوند در پشتیبانی از مردم ستمدیده فلسطین در برابر اشغالگریهای اسرائیل و استقلال سیاسی و تشکیل دولت مستقل فلسطین دریغ نمی‌نمایند. امید است دفاع از مردم فلسطین از ئیدئولوژی تضاد دینی بدور بوده و از موضوع انسان دوستی سرچشمه گرفته باشد، که شاید روزی هم نصیب ملتها تحت ستم در ایران گردد، امید وارم در هر دو حالت چ باهم باشیم و چ جدا باشیم یار و مدد کاری همدیگر باشیم . این نوشته را به سایتهای انترنتی خواهم فرستاد.

سه‌عی‌سه‌قزی

نوشته فوق را زیر عنوان **انجمن صلح** در روز 2006 / 9 / 10 در رادیو پیوند خواندم. پس از خواندن نوشته، متأسفانه آقای بهمن بجای انتقاد از خویش، همچنان بر همان جمله (چنگ و دندان) معتقد بودند، از اینرو عنوان نوشته را به **(انجمن صلح، یا انجمن گاز؟) تغییر داده‌ام**

سه‌عی‌سه‌قزی

2006 / 9 / 20